جوانان, بينش ها, گرايشها (2)

((جوانان)) در نگاه مقام معظم رهبرى

هر از گاهى نشستى صميمانه و گفت و گويى عاشقانه بين برخى از جوانان و رهبر معظم انقلاب برپا مى شود. نظرهاى دقيق و ديدگاه هاى عميق ايشان, آن چنان در وجود ما تإثير مى گذارد كه بر خود مى باليم و از خداوند متعال سپاسگزاريم كه چنين بينش و نگرشى به معظم له عطا كرده و ما را لايق اين پيروى نموده است. چندى پيش درباره شايستگى هاى يك جوان ايرانى از ايشان سوال شد, فرمودند:

((يك جوان شايسته بايد احساس تعهد و مسووليت, پرهيزكارى و تقوا و بصيرت و آگاهى داشته باشد. تقوا يا مراقب خود بودن بدين معناست كه انسان بداند چه كارى مى كند و هر حركتش با اراده, ميل و تصميم خودش باشد, مثل سوار كار اسب كه لجام اسب در دست او باشد و او با دقت و ظرافت لازم اسب را هدايت كند; نه آن كه اسب او را با خود همراه كند و سرانجام وى را نقش بر زمين سازد.

خصوصيات يك جوان مسلمان, انرژى, اميد و ابتكار اوست. گرايش هاى وى به آموزه هاى دينى و تدين, موجب پيدا كردن الگوهاى شايسته و سبب مصونيت و ايمنى از خطرهاى گوناگون خواهد بود.)).(1)

در فرازى ديگر از سخنان روح بخش مقام معظم رهبرى, آفاتى كه به شايستگى ها و درخشندگى هاى ما جوانان آسيب مى رساند, اين گونه بيان مى شود:

((خطرهايى كه جوانان ما را تهديد مى كند, اقدام بى فكر و بى مطالعه, تصميم گيرىهاى سريع و عصبانيت هاى نادرست و برخورد شتابان است. جوان بايد با فكر, تامل, انديشه, مطالعه و حق جويى كار كند و آن جا كه پاى اصول و مبانى اعتقادى مطرح مى شود, قدرتمند, محكم, با اراده و قوى ((اين است و جز اين نيست)), بگويد و دوره جوانى خود را كه دوره توانايى است, در سه راه صرف كند:

1. تحصيل علم و دانش;

2. تهذيب نفس, صفاى وجود و تقويت روحيه تقوا;

3. ايجاد نيروى جسمانى و ورزش كردن.

هيجان هاى خود را گاهى با ورزش, زمانى با كارهاى هنرى و موقعى با تحصيل و يا حضور در كارگاه ها و آزمايشگاه ها ارضا نمايد... . فتح الفتوحى كه امام (ره) درباره جوانان ما مى فرمودند, ساختن جان هاى آگاه و بيدار بوده و هست.))(2)

((جوان)) و ((جوانى)) در دو آينه

دغدغه خاطر و اندوه نهفته در وجود ما جوانان آن بوده است كه گاه با افرادى رو به رو مى شويم كه پيش از گفت و گو و دل جويى و پرسش از درد و ناراحتى, نسخه اى آماده و ديدگاهى مشخص درباره هر يك از ما دارند. آن چه مى گوييم, با همان معيارشان, مورد قبول قرار مى دهند و يا رد مى كنند. و از آن چه مى پرسيم, طبق همان باور پاسخگو هستند. اما برخى از رهبران فكرى ــ فرهنگى ما, در گفته ها و نوشته هاى خود, بيش تر از ما جوانان به ابعاد روحى و شخصيتى ما آگاهى دارند و با اصول روحى و مبانى روانى ما آشنا هستند. از اين رو, در ايجاد ارتباط با جوان, ابتكار و سليقه در گفت و گوها و ارائه راه حل هاى بنيادين و زيبا هميشه موفق بوده اند.

استاد شهيد, آيه الله مطهرى ـ كه رحمت خداوند بر او باد ـ از جمله كسانى است كه با چنين بينش و شناختى, توانست جوانان و گروه هاى بسيارى از نسل نو را به سوى خود جذب كند و آن گونه كه بودند, آنان را بشناسد. در هر زمان, نوع درد را ابتدا تشخيص دهد, سپس داورى مناسب را با بهترين شيوه ارائه دهد. به يقين, شناخت نسل جوان, درك مشخصات و فهم هست ها و نيست ها به تشريح بايدها و نبايدهايى واقع بينانه, درست و صحيح مى انجامد. با هم ديدگاه هاى ارزشمند استاد را درباره ((رهبرى نسل جوان)) مى نگريم:

((امروز نسل جديد را نمى توان با شيوه هاى قديم رهبرى كرد. ابتدا بايد آنان را بشناسيم و بفهميم كه داراى چه مشخصاتى هستند؟ درباره اين نسل, دو تفكر و انديشه وجود دارد. از اين رو, دو نوع قضاوت هم مى شود: عده اى جوانان را افرادى خام, مغرور, گرفتار هوا و هوس, شهوت پرست و داراى عيب هاى بسيار مى دانند. اينان هميشه با اين نسل دهن كجى مى كنند و ناسزا مى گويند. اما از نظر خود آنان, قضاوت بر عكس است. آن ها خود را بدون عيب مى يابند, افرادى كه مجسمه هوش, مجسمه فطانت و زيركى, مجسمه آرمان هاى عالى بوده و بسيارى از مسائل را مى فهمند كه ديگران به آن توجه ندارند. از اين رو, نسل كهن اين ها را تكفير مى كند و فاسق مى داند. افرادى جاهل و نادان مى شمرد كه نسبت به ارزش هاى اعتقادى و اجتماعى پاىبند نيستند و فهم مسائل را ندارند.))(3)

پس از اين سخن شهيد مطهرى, دو نسل صالح و منحرف را در آينه قرآن مورد بازبينى قرار مى دهد و به كامل بودن و يا ناقص بودن نسل بعدى, نسبت به قبلى ـ به طور مطلق ـ اشكال مى كند و مى فرمايد:

((نمى شود گفت كه هميشه نسل بعدى از نسل قبلى فاسدتر است و دنيا رو به فساد مى رود و نمى شود گفت كه هميشه نسل بعدى از نسل قبلى كامل تر است و دچار انحطاط نمى شود... . آيات 15 تا 17 سوره ى احقاف ــ كه گفته شده درباره سيدالشهدا (عليه السلام) است ــ كه البته ايشان مصداق كامل آن هستند, چندين ويژگى براى نسل صالح ذكر مى كند:

1. روح شكرگزارى و قدردانى نسبت به نعمت ها و موهبت هاى الهى; ((رب اوزعنى ان اشكر نعمتك التى انعمت على و على والدى))

با نگاهى به تمامى نعمت هاى خداوند كه به او و نسل گذشته داده است, مى گويد: خدايا به من نيرو و قوت بده كه بتوانم حق شناسى و قدردانى كنم و از نعمت هاى گذشته, طبق رضاى تو استفاده نمايم. شكر هر نعمت اين است كه بهره اى كه شايسته آن نعمت است ,از او بشود.

2. درخواست توفيق عمل صالح و مورد رضايت پروردگار; ((وان اعمل صالحا ترضاه))

3. توجه به نسل آينده و اصلاح آن نسل; ((و اصلح لى فى ذريتى))

4. بازگشت از تقصيرات و كوتاهى ها; ((انى تبت اليك))

5. تسليم حق و مقررات الهى در آفرينش; ((و انى من المسلمين))

كه تخلف از آن حالت تسليم موجب نابودى و هلاكت خواهد شد.

در پايان, خداوند متعال درباره سرنوشت نهايى اينان مى فرمايد:

((اولئك الذين نتقبل عنهم احسن ما عملوا و نتجاوز عن سيئاتهم فى اصحاب الجنه وعد الصدق الذى كانوا يوعدون)); اين گونه افراد و اين نسل هستند كه ما اعمال نيكوى آن ها را مى پذيريم, از خطاى آنان مى گذريم و اين ها اهل بهشت هستند; وعده راستى كه به آن ها داده مى شود.

آيه بعد درباره يك نسل فاسد و منحرف است, نسلى مغرور و خام و نپخته كه با آموختن چند كلام, پاىبند هيچ معيارى نيست; از بندگى خدا رها مى شود و نسبت به پدر و مادر بى احترامى مى كند. به افكار و عقايد آنان مى خندد و نسبت به ارزش ها حالت استهزا و تحقير دارد, قيامت و معاد را انكار مى كند و پدر و مادر آن ها كه اهل باورهاى مذهبى و دينى هستند, با حالتى دردآلود و غم زده نسبت به فرزند خود مى گويند: واى بر تو, وعده خدا حق است. و چون تاثيرى در فرزند نمى بينند و او را در دام ارتداد و كفر مى يابند, فرياد استغاثه و كمك خواهى آن ها بلند مى شود, ولى فرزندشان مى گويد: ((اين ها افسانه هايى است كه گذشتگان درست كرده اند.))(4)

در پى ترسيم سيماى دو نسل صالح و فاسد و بيان ويژگى هاى آنان, مرحوم آيه الله شهيد مطهرى به ويژگى هاى نسل جوان و جديد ما پرداخته, با نگاهى عالمانه و انديشمندانه مى فرمايد:

((نسل جوان ما مزايايى دارد; همانند آن كه يك نوع ادراكات و احساساتى دارد كه در گذشته نبود و از اين جهت, بايد به او حق داد, او از آرمان هاى عالى بهره مند است كه بايد به آن احساسات و اين آرمان ها احترام گذاشت.

در نسل گذشته, فكرها به اين اندازه باز نبود, احساسات بلند و آرمان هاى اين چنين ارزشمندى وجود نداشت. همان گونه كه اسلام به اين امور احترام گذاشته است, ما نيز بايد احترام بگذاريم و اين ويژگى به خاطر اين است كه امروز تمامى درها و پنجره ها به دنياى اطراف باز شده است. دنيا, پيشرفت هاى آن و آثار سياسى, نظامى و اقتصادى به خوبى ديده مى شود. (جوان هم) از حركت ها و قيام ها و انقلاب ها آگاه مى شود و عزت و شوكت و حرمت و آزادى برخى را مشاهده مى كند. از اين رو, پرسش مى كند و حق هم دارد بپرسد.

فكر اساسى اين است كه ما نخست درد اين نسل را بشناسيم, درد عقلى و فكرى را بفهميم و از دردى كه نشانه بيدارى است و الان حس مى كنند و در گذشته احساس نمى شد, آگاه شويم; سپس به دنبال درمان برآييم. در اين حال است كه انحرافات فكرى و اخلاقى برخى از افراد را مى توان درمان كرد و به اصلاح آنان كمك نمود.))(5)

نصيحتى كنمت بشنو و بهانه مگير

هر آن چه ناصح مشفق بگويدت بپذير

ز وصل روى جوانان تمتعى بردار

كه در كمينگه عمر است مكر عالم پير(6)

پى نوشت ها

1. حديث شورانگيز جوانى در بيانات رهبر معظم انقلاب اسلامى, ص 15 تا 25.

2. همان.

3. مرتضى مطهرى, ص 178 و 179 (با مختصر تغييرى در عبارات).

4. همان, ص180 تا 182(با اندكى تغيير)

5. همان, ص183تا185.(با تلخيص و تغيير عبارات)

6. ديوان حافظ, غزل 251(برگزيده اى از غزل).